

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)  
علمی-پژوهشی  
سال هفتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۶

## سیر تحوّل تلمیح "نوح" در شعر فارسی از قرن چهارم تا چهاردهم

(ص ۱۴۷-۱۲۹)

مرضیه شوشتری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

### چکیده

همواره در طول تاریخ قصه‌های قرآنی مورد توجه خاص نویسندگان قرار گرفته است. شاید مهمترین دلیل توجه به قصه‌هایی که صبغه اسلامی دارند، ایمان و اعتقاد قلبی نویسندگان و نیز مخاطبین آنها باشد و از طرفی انتشار اینگونه کتب بخوبی زمینه انتقال اندیشه‌های دینی را فراهم می‌آورد و علاوه بر اینکه مخاطب را بخوبی جذب میکند، اهداف تربیتی نویسنده را نیز تأمین مینماید. با بررسی متون نظم و نثر در می‌یابیم که شعرا و نویسندگان فارسی زبان با استفاده از تلمیحات قرآنی به زنده نگهداشتن تاریخ انبیا در قالب شعر و نثر پرداخته اند طوری که کمتر شاعر و نویسنده ای را میتوان یافت که از دید خود به این مضامین ننگریسته باشد حتی شاعران درباری و مدحی نیز از این تلمیحات بهره برده اند. در این مقاله قصه حضرت نوح(ع) به عنوان نمونه در نظر گرفته شد و با استخراج تلمیحات نوح در متون نظم و نثر، سیر بکارگیری تلمیحات قرآنی و تلمیح نوح بطور اخص در دوره های مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

کلمات کلیدی: نوح ، طوفان ، تلمیح، شعر فارسی

---

<sup>۱</sup> دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ملی تاجیکستان sheyda7236@yahoo.com

## مقدمه

**پیشینه تحقیق:** تاکنون در آثار مرتبط با این موضوع، پژوهش و تحقیقات فراوانی صورت گرفته است اما برخی نویسندگان فقط به بررسی قصه انبیا در یک اثر خاص پرداخته اند از جمله: تقی پور نامداریان در کتابی تحت عنوان «داستان پیامبران در کلیات شمس» به شرح و تفسیر عرفانی قصه‌های انبیا در غزلهای مولوی میپردازد. پورنامداریان فقط در پیشگفتار کتاب خود اشاره مختصری به قصه پیامبران در شعر درباری، مذهبی و عرفانی مینماید و به عنوان نمونه آثار چند شاعر مذهبی را از هر دوره ذکر مینماید [ر.ک: داستان پیامبران در کلیات شمس. پورنامداریان. ج ۱]. محمد حسن فروزانفر در کتاب «احادیث و قصص مثنوی» به تبیین قصه حضرت نوح(ع) میپردازد [ر.ک: احادیث و قصص مثنوی. فروزانفر]. سید علی اردلان جوان در کتاب «تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی» اساطیر مذهبی را در اشعار خاقانی مورد بررسی قرار میدهد [ر.ک: تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی. جوان]. برخی از نویسندگان نیز فقط بر قصه حضرت نوح(ع) متمرکز شده اند و آن را در یک یا چند اثر مورد بررسی قرار داده اند از جمله: اعظم شفیعی در کتاب خود «حضرت نوح(ع) در مثنوی» فقط به بررسی این قصه در مثنوی میپردازد [ر.ک: حضرت نوح(ع) در مثنوی. شفیعی]. سیروس امیری در کتاب «تمثیل در غزلیات حافظ، سعدی و صائب در مورد نوح، سلیمان، موسی، عیسی و...» به شرح قصه حضرت نوح(ع) در این آثار میپردازد [ر.ک: تمثیل در غزلیات حافظ، سعدی و صائب در مورد نوح، سلیمان، موسی، عیسی و...]. امیری. یزدان پرست لاریجانی نیز در کتاب «داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی» قصه پیامبران معروف را در کتب دینی و ادبی مورد بررسی قرار داده است [ر.ک: داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی. یزدان پرست لاریجانی]. هیچ کدام از این آثار قصه یک پیامبر خاص را در متون نظم و نثر همه دوره ها بررسی نکرده اند و این تحقیق از نظر پرداختن به روند بکارگیری تلمیح "نوح" در ادبیات فارسی کاری نو است از این رو ضرورت انجام این تحقیق به خوبی دریافته میشود.

**تعریف مسئله:** در مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به پرسشهای زیر هستیم:

- ۱- در هر دوره شاعران و نویسندگان تا چه حد از تلمیحات قرآنی به ویژه تلمیح به قصه حضرت نوح(ع) استفاده کرده اند؟
- ۲- آیا تلمیحات قرآنی به جز اشعار مذهبی و عرفانی در اشعار مدحی و درباری نیز تأثیر داشته است؟
- ۳- تلمیحات قرآنی در اشعار مذهبی و عرفانی بیشتر به چه منظور استفاده میشود؟
- ۴- تلمیحات قرآنی در اشعار مدحی و درباری بیشتر به چه منظور استفاده میشود؟
- ۵- کدام تلمیحات قصه حضرت نوح(ع) در آثار ادیبان بیشتر استفاده شده است؟
- ۶- کدام شاعران بیشترین تلمیحات اسلامی و قرآنی را در آثار خود بکار برده اند؟

۷- در کدام دوره بیشترین و در کدام دوره کمترین تلمیحات اسلامی و قرآنی استفاده شده است؟  
**روش تحقیق:** روش تحقیق در این رساله همانگونه که لازمه این نوع تحقیقات است اسنادی و کتابخانه ای است که به شکل توصیفی - تحلیلی ارائه شده است. ۱۶ شکل مختلف این تلمیح قرآنی در ۵۹ اثر منظوم و منثور مورد بررسی قرار گرفته و با مشخص کردن هر نوع تلمیح در هر اثر و هر دوره به روشنی تفاوت‌های دوره های مختلف از نظر پرداختن به تلمیحات اسلامی مشخص شده است.

### جایگاه قصه حضرت نوح (ع) در شعر و ادب فارسی

در شعر و ادب فارسی تمثیل به آیات قرآن از جایگاه ویژه ای برخوردار است و اکثر نویسندگان و شاعران پارسی گوی به آیات شریفه استشهاد کرده اند. قصه حضرت نوح (ع) نیز مانند دیگر قصص انبیا بسیار مورد توجه قرار گرفته است و در طول تاریخ کتب مختلفی به بیان قصه این نبی خدا پرداخته اند. قصه حضرت نوح (ع) در میان قصه های انبیا از جایگاه خاصی میان مردم و ادیبان برخوردار است. همه حضرت نوح (ع) را با آن طوفان و کشتی نجات دهنده اش میشناسند. کلمه طوفان برای همه ما تداعی کننده آن طوفان سهمگین است که در زمان حضرت نوح (ع) به وقوع پیوست. به عقیده ویل دورانت طوفان حتی بیشتر از آفرینش در میان مردم جهان انتشار دارد و کمتر قومی را در اقوام قدیم میتوان یافت که آن را ندانسته باشد [ر.ک: تاریخ تمدن. دورانت. ج ۱ ص: ۳۸۴]. قصه طوفان نوح یک قصه رایج در متون قدیم یونانی، حماسه گیلگمش و در کتاب وندیداد اوستا و متون دینی زردشتی و در داستانهای اساطیر باستانی ایران آمده است. داستان حماسه گیلگمش شباهت بسیاری به طوفان نوح دارد و شاید به این دلیل به عنوان جزء جدایی ناپذیر ادبیات آن عصر قرار گرفت. در این داستان چنین آمده است که: «...خدایان آسمانی تصمیم گرفته و رأی داده اند که بارانی شدید و سیلابی ببارد تا سیلی عظیم جاری شود. این سیل عظیم تمامی مراکز انجام آیینهای مذهبی را هم فرا خواهد گرفت و در خود فرو خواهد برد و تمامی آدمیان را از بین خواهد برد...» [اساطیر جهان. روزنبرگ. ج ۱: ص ۳۸۳-۳۸۲] شاید یکی از دلایلی که این داستان را در مقام یک اثر ادبی به ثبت رسانده است شباهت ماجرای سیل در داستان حماسی گیلگمش و طوفان نوح در انجیل است.

داستان طوفان در اسطوره های یونان نیز حضور دارد. ژئوس فرمانروای آذرخش و ابرهای تیره و نار تصمیم گرفت که تمام آدمیان را به خاطر رفتار و سلوک پلیدشان به کیفر برساند... ژئوس تصمیم گرفت که ابرهای سیاه طوفانزایش رازها کند و با راه انداختن سیلابی عظیم در دنیا انسانها را از بین ببرد... [ر.ک. اساطیر جهان. روزنبرگ. ج ۱: ص ۷۰-۶۳] قصه طوفان و برف و باران سخت در اوستا، در کتاب وندیداد و متون دینی زرتشتی و در داستانهای اساطیر باستانی ایران نیز آمده است: «و اهورا مزدا به بیم گفت: ای جم زیبا، پسر ویونگهونت، بر گیتی زمستانهایی سخت خواهد رسید و با آن ها سرماهایی شدید و ویران کننده ای همراه خواهد بود. بر جهان مادی، زمستانی

سخت خواهد رسید و نخست از بلندترین کوه‌ها گرفته تا ژرفای دژه رودخانه آردوی خواهد بارید.» [اوستا. وندیداد ۲. بند ۲۲]

با بررسی داستان جمشید و حضرت نوح (ع) وجوه اشتراکی درباره حوادث دوران زندگی آنها میتوان یافت. باران و سرمای مهرکوشان در زمان جمشید شباهت بسیاری به طوفان حضرت نوح (ع) دارد. از سوی دیگر شباهت بسیاری بین کشتی نوح که مومنان را از طوفان نجات داد و رجمکرد که برای رهانیدن جانداران از نابودی و رویارویی با سرمای سخت مهرکوشان ساخته شد، دیده میشود. جمشید نیز چون حضرت نوح (ع) جانوران مختلف را در رجمکرد جای داد تا از مهرکوشان درامان باشند. کشتی نوح و رجمکرد هر دو در ۳ طبقه (قسمت) ساخته شدند تا از هر مخلوقی یک جفت در آن جای دهند و نسل موجودات از بین نرود. همانندی دیگری که بین این دو داستان دیده میشود این است که خداوند هم به جمشید و هم به نوح (ع) دستور میدهد که برای روشنایی باغ و کشتی خویش منفذی برگشایند و مشخصات این دریچه را نیز به آنان باز میگوید. نکته دیگری که از مقایسه این دو داستان برمی آید آشنا نبودن جمشید و نوح (ع) با طرز ساخت کشتی و باغ است که هر دو نزد خدای خود به این ضعف اشاره کرده، از او استعانت میجویند و همانگونه که جبرئیل طرز ساخت کشتی را به نوح (ع) می آموزد اهورامزدا نیز جمشید را در ساخت باغ راهنمایی میکند: "بیم با خود گفت باغی را که اهورامزدا به من فرمان داد چگونه بسازم که آنگاه اهورامزدا به بیم گفت: ای جم زیبا، پسر ویو نگهونت، خاک را با پای خود نرم و با دست خمیر (گِل) کن. / بیم به همانگونه که اهورامزدا میخواست رفتار کرد. خاک را با پای خود نرم و با دست خود گِل کرد... / آن گاه بیم و را که هریک از چهارسوی آن یک چَرْتُو بود برای جایگاه مردان وزنانی که بر روی زمین از همه بزرگتر و بهتر و زیباتر بودند بساخت. و را که بلندی هریک از چهارسوی یک چَرْتُو بود برای جایگاه چهارپایان ساخت." [اوستا. وندیداد ۲. بندهای ۳۱ تا ۳۳]

### بکارگیری تلمیحات قرآنی

در این مقاله میکوشیم دریافتهای بعضی از شعرا و نویسندگان را از قصه قرآنی نوح بررسی کنیم و ضمن آن، روند بکارگیری تلمیحات قرآنی را در ادبیات فارسی مورد بررسی قرار دهیم. بدیهی است که پرداختن به آثار همه شعرا و نویسندگان در این مقاله نمیگنجد پس ناگزیر از هر دوره، مهمترین آثار را بر میگزینیم و بر حسب تقدم و تأخر زمانی به بررسی آنها میپردازیم. برای این منظور جدولی تهیه شده که در آن همه موضوعات تلمیحات قصه نوح (ع) آورده شده و در ضمن اینکه تعداد تلمیحات بکار رفته در هر اثر مشخص شده، تعداد تلمیحات در هر موضوع نیز بیان شده است و در نهایت در هر دوره تعداد تلمیحات در هر موضوع مشخص میشود که چون در هر دوره آثار معروفترین شاعران بررسی شده است با مقایسه جداول دوره های مختلف، بطور تقریبی میتوان به بررسی سیر بکارگیری تلمیح نوح در دوره های گوناگون پرداخت.

قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

نام اثر	دوره	دوره ساسانی	دوره صفویه	دوره قاجار	دوره پهلوی	دوره رضاشاهی	دوره پهلوی دوم	دوره جمهوری اسلامی	دوره معاصر	جمع
دیوان حسین بن منصور حلاج	۲									
دیوان رودکی			۱							
دیوان فرخی سیستانی								۱		
دیوان عنصری			۱	۱				۲		
دیوان منوچهر دامغانی								۱		
دیوان ابوسعید ابی‌الخیر	۱								۱	
جمع			۲	۱				۵		۳
										۵

(جدول ۱)

میان‌ه قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم

نام	جم ۲م	جم ۳م	جم ۴م	جم ۵م	جم ۶م	جم ۷م	جم ۸م	جم ۹م	جم ۱۰م	جم ۱۱م	جم ۱۲م	جم ۱۳م	جم ۱۴م	جم ۱۵م	جم ۱۶م	جم ۱۷م	جم ۱۸م	جمع
ویس و رامین فخرالدین ن اسعد گرگانی																		۱
تاریخ بیلهقی	موردی یافت نشد																	
کشف المحجوب ب هجویری																	۱	۴
قابوس نامه	موردی یافت نشد																	
دیوان ناصرخ سرو																	۶	۱۸
دیوان ابوالفرج رونی																		۲
حدیقه سنایی																		۲۳
مقامات حمیدی																		۳
دیوان انوری																		۹
دیوان خاقانی																		۹۱
مخزن الاسرار نظامی																		۹
هفت پیگر نظامی																		۳
دیوان عطار																		۶
منطق الطبرعط ار																		۳
مرزبان نامه																		۲
جمع																		۱۸ ۱

(جدول ۲)



قرن نهم و دهم

نام اثر	هفت اورنگ جامی	دیوان و حصی باطنی	دیوان حصی کاتبی	جمع
نوحی	۵	۲	موردی یافت نشد	۷
بیت‌نوح				
نوح سمرقند	۱			۱
نوح کهنه				
نوح کرم				
سیر نوح				
نوح نین				
نوح حبه				
نوح کشتی‌نویسی	۱			۱
نوح در راه و نوح در انوار دعوت		۱		۱
نوح قه				
خارگاه نوح	۲			۲
موقان نوح و اجرای سیران	۵	۸		۱۳
نوحی سیر	۴	۶		۱۰
جودی	۲	۱		۳
ماجرای عاج بن عتیق				
جمع	۲۰	۱۸	۱	۳۹

(جدول ۴)



قرن یازدهم و دوازدهم

نام اثر	دیوان صاحب تیریزی	دیوان ملااحسن گنجدی کاشانی	دیوان پیرعلی دهلوی	دوره نادره	دیوان خاتون اسمعیلی نشده	جمع
نوح نبی	۷	۶	۱		موردی یافت نشده	۱۰
پیشه نوح						۲
سمر نوح	۱	۱				
دعای نوح						
شکر نوح						
سیر نوح		۱				۱
نثرین نوح	۱					۱
مغنیات نوح	۱					۱
گفتارهای نوح الذو و روح نوح در جهنم	۵					۶
نوع نوح	۱					۱
خارا نوح	۲					۲
دیوان نوح و مآخاری سیر آران	۳۰	۳	۲			۳۵
نوح نبی	۴	۱				۵
جودی				۱		۱
مآخاری حاج بن عتیق						
جمع	۸۱	۸	۴	۱	۱	۹۵

(جدول ۵)

قرن سیزدهم و قرن چهاردهم

نام اثر	دیوان قائلی	دیوان کورفی	دیوان الممالک	دیوان اقبال	دیوان عارف	دیوان پروین	دیوان ملک	مجموعه اشعار
نوح نسی	۵		۸		۱	۱	۷	موردی یافت نشد
پیشینه نوح							۱	
صبر نوح				۱			۲	
دهای نوح								
شکر نوح								
صبر نوح						۱		
نفرین نوح	۵							
مصیبت نوح								
گفتنی نوح			۲					
الذوق و ریح نوح در دعوت	۱	۱					۲	
قور نوح	۲						۲	
خاوارانه نوح	۵		۱	۲			۳	
طوفان نوح و هاجرای سیراآن	۱ ۲	۲	۷		۱	۲	۶	
گفتنی نوح	۴	۱	۵			۱	۱	
موردی	۶		۲				۱	
هاجرای عاج بن عتیق								
مجموع	۴۴	۴	۲۵	۲	۲	۵	۲۵	۱



با بررسی جدولها به روشنی میتوان دریافت که بکارگیری تلمیحات اسلامی در دوره های مختلف، تفاوت بسیاری داشته است. پس از اسلام شاعران و نویسندگان به تحصیل فرهنگ اسلامی پرداختند و با انعکاس آن در ادبیات فارسی نقش مؤثری در اشاعه آن ایفا کردند. همانگونه که در جدول شماره ۱ مشاهده میشود شاعران عهد سامانی کمتر از تلمیحات اسلامی بهره برده اند زیرا هنوز فرهنگ اسلامی رواج نیافته بود و آنان از تلمیحات ایرانی و ذکر اساطیر ایرانی مانند زردشت، اوستا، زند و ... بیشتر استفاده کرده اند. هر چند در دیوان منوچهری فقط یک مورد تلمیح به قصه حضرت نوح (ع) یافت شد اما نسبت تلمیحات اسلامی در دیوان او بیشتر از تلمیحات ایرانی است. شاعران تا حدود قرن ششم تنها به برجسته ترین حوادث زندگی و خصوصیات پیامبران اشاره میکردند و از حد قرآن فراتر نمیرفتند. با توجه به جدول شماره ۲، در زمان تسلط سلجوقیان بر ایران به علت رواج تحصیلات دینی و مذهبی استفاده از تلمیحات اسلامی رواج بسیار یافت و به اوج خود رسید. پس بطور کلی میتوان گفت تا قرن ششم یعنی در سبک خراسانی توجه به اساطیر ایرانی بیشتر از تلمیحات اسلامی بود اما از قرن ششم به بعد یعنی در سبک عراقی، توجه به اساطیر ایرانی کم کم کاهش یافت و استفاده از تلمیحات اسلامی بیشتر شد و این روند تا قرون بعد نیز ادامه یافت.

اما در قرن هفتم، مولانا جلال الدین مولوی بلخی، انقلاب عظیمی در بکارگیری تلمیحات اسلامی ایجاد کرد. او از قصه های انبیا در بیان مقاصد خود بهره فراوان برده است. « کثرت و تنوع موارد اخذ شده و نقل آیات قرآنی در مثنوی بحدی است که اگر آن را به یک معنی، نوعی تفسیر عرفانی از قرآن هم بخوانند مبالغه نیست و ازین مقوله آنچه رنگ تأویل صوفیانه دارد غالباً متضمن صبغه ای شاعرانه است که البته با تأویل باطنی و فلسفی هم قابل التباس نیست [سرنی. زرین کوب. ج ۱ ص ۳۷۳]. حتی مریدان او آن را قرآن عجم، قرآن فارسی و یا تقریر دیگری از معنی قرآن میشمردند [ر.ک: پله پله تا ملاقات خدا. زرین کوب: ص ۲۶۴].

شاعران معروف دیگر نیز در این قرن، چون سعدی و حافظ همین روند را ادامه میدهند و از اساطیر ایرانی تنها به بیان قصص معروف اکتفا کرده و از تلمیحات اسلامی معروف استفاده فراوان میبرند. هر چند توجه سعدی به قصه حضرت نوح (ع) بسیار کم بوده است اما او به دیگر تلمیحات اسلامی نظر فراوان داشته است. این روند تا قرون بعدی نیز کم و بیش ادامه پیدا میکند. در سبک هندی، تلمیحات رونق فراوانی دارد و شاعران دوره صفویه با ایجاد غرابیت در تلمیحات و همراه کردن آنها با مضامین نو و بدیع، شکل تازه ای به تلمیحات بخشیدند که در دوره های قبل کمتر سابقه داشته است. صائب تبریزی را به عنوان بزرگترین شاعر این دوره میتوان نام برد که کثرت استعمال تلمیحات، دیوان او را به فرهنگ تقریباً کاملی از تلمیحات بدل کرده است.

در دوره بعدی که دوره بازگشت به اسلوب کهن سبک خراسانی است، شاعران به شیوه شعرای سبک خراسانی، دوباره استفاده از اساطیر ایرانی را در اشعار خود رواج دادند البته هنوز هم تلمیحات

اسلامی جایگاه خاص خود را در شعر حفظ کرده بود دیوان شاعرانی چون قآنی سرشار از تلمیحات ایرانی و اسلامی است و در بررسی که انجام دادیم تلمیحات مربوط به قصه حضرت نوح (ع) در دیوان قآنی بیشتر از شاعران همدوره خود میباشد.

در دوره معاصرو در شعر شاعران نوپرداز تلمیحات اساطیر پیش از اسلام و اساطیر هندی و اروپایی و قصص کتاب مقدس بیشتر دیده میشود. و همانگونه که در (جدول ۶) دیده میشود در اشعار شاعرانی که به سرودن شعر به این روش پرداخته اند چون نیما و پیروان او اثری از تلمیح به قصه حضرت نوح (ع) دیده نمیشود فقط شاملو در سه مورد، بسیار گذرا به این قصه اشاره کرده است. با توجه به درونمایه‌ای که برای شعر معاصر ذکر کردیم، تلمیحات ایرانی و اسلامی از نظر محتوایی کمتر میتوانند در خدمت شعر نو قرار گیرند، بنابراین کاربرد چنین تلمیحاتی در شعر نو بسیار ناچیز است. البته برخی از شاعرانی که از عرفان تأثیر بیشتری گرفته اند از اشارات قرآنی بسیار بهره برده اند از جمله سهراب سپهری که نقش این نوع تلمیحات در شعر او بیش از دیگران است و شاعرانی چون موسوی گرمارودی، سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد، اخوان ثالث، قیصر امین پور و شفیعی کدکنی نیز از تلمیحات قرآنی و اسطوره‌ای بسیار استفاده کرده اند.

در یک جمع بندی کلی میتوان گفت که در بین آثار مورد بررسی، دیوان خاقانی (۹۱ مورد)، مثنوی معنوی (۹۱ مورد)، دیوان صائب تبریزی (۸۱ مورد) و دیوان قآنی (۴۴ مورد) بیشترین سهم تلمیحات نوح را به خود اختصاص داده اند. تلمیحات آنقدر با شعر این چهار شاعر عجین شده است که جدائی خاصی به شعر آنان بخشیده است و از میان آنها، مولانا به جهت تسلط بر فرهنگ و معارف اسلامی، بیشتر از تلمیحات اسلامی استفاده کرده است و در اشعار او به اشعار ملامح نیز میتوان برخورد. ملامح یعنی تمام تلمیح یعنی اشعاری که از آغاز تا پایان (و یا غالب ابیات) آن تلمیح باشد [ر.ک: فرهنگ تلمیحات. شمیسا: ص ۲۷].

همانطور که در جدولها مشاهده میشود در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم تلمیح به عمر نوح بیشتر از سایر موارد است و در این دوره دیوان عنصری بیشترین تلمیحات به قصه حضرت نوح (ع) را به خود اختصاص میدهد (جدول ۱) در میانه قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم تلمیح به نوح نبی (۳۷ مورد) و طوفان نوح و ماجرای پس از آن (۴۸ مورد) بیشتر از موارد دیگر است و دیوان خاقانی از جهت پرداختن به تلمیحات نوح سرآمد دیگر آثار این دوره است. (جدول ۲). در قرن هفتم و هشتم تلمیحات طوفان نوح و ماجرای پس از آن (۳۲ مورد)، نوح نبی (۲۷ مورد) و کشتی نوح (۲۴ مورد) بیشتر بکار رفته است. مثنوی معنوی در بین آثار این دوره سهم بسیار بیشتری در بکارگیری تلمیحات نوح دارد. (جدول ۳) در قرن نهم و دهم به طوفان نوح و ماجرای پس از آن (۱۳ مورد) و کشتی نوح (۱۰ مورد) بیشتر اشاره شده است و جامی در هفت اورنگ خود بیشتر از سایرین به قصه حضرت نوح (ع) اشاره کرده است. (جدول ۴) در قرن یازدهم و دوازدهم بیشتر تلمیحات در مورد طوفان

نوح و ماجرای پس از آن (۳۵ مورد) و کشتی نوح (۳۳ مورد) است و دیوان صائب تبریزی بیشتر از سایر آثار این دوره به قصه حضرت نوح (ع) اشاره کرده است. (جدول ۵) و بالاخره در قرن سیزدهم و چهاردهم و دوره معاصر طوفان نوح و ماجرای پس از آن (۳۱ مورد) و نوح نبی (۲۲ مورد) بیشترین کاربرد را در تلمیحات داشته اند و قآنی در دیوان خود بیشترین تلمیح به قصه حضرت نوح (ع) را داراست. (جدول ۶)

در قرن چهارم و نیمه اول پنجم که هنوز استفاده از تلمیحات اسلامی رواج نیافته بود اگر هم تلمیحی دیده می‌شود ناظر به موارد مشهوری است که یا مانند عمر نوح تبدیل به ضرب المثل شده است و یا مانند طوفان و کشتی نوح آنقدر معروف است که همگان حضرت نوح (ع) را به آنها می‌شناسند. هر چند در دوره های بعد تلمیح از این موارد معروف فراتر رفته و موارد دیگری را نیز در بر می‌گیرد اما باز هم میبینیم که تلمیحات نوح نبی، طوفان و کشتی نوح بیشتر از سایر موارد استفاده شده است.

#### تأثیر قصه های انبیا در اشعار مدحی و درباری

شاعران در اواخر قرن چهارم ضمن قصاید خود، علاوه بر اساطیر ایرانی به قصه پیامبران نیز اشاره می‌کردند و مخاطبان نیز که تا آن زمان بخوبی با فرهنگ و مفاهیم اسلامی آشنا شده بودند، سخن این بزرگان را به دیده قبول می‌نگریستند. در ابتدا اشاره شاعران به قصه‌های پیامبران فقط به مشهورترین حوادث زندگی آنان و بارزترین صفات و خصوصیات انبیا محدود می‌شد. هر چند تا آن زمان تفاسیر متعددی نگاشته شده بود اما شاعران و نویسندگان فقط به همان اشارات موجز قرآن بسنده می‌کردند و هر کس در حدّ وسعت اطلاعات در قرآن، حدیث و تفسیر به این مهم می‌پرداخت. در شعر درباری کمتر از تلمیحات قرآنی استفاده شده است و این تلمیحات اغلب در خدمت مدح اغراق آمیز ممدوح و یا در مواردی نادر در خدمت توصیف طبیعت و معشوق است. این اغراق از طریق تشبیه ساده پیامبر و ممدوح صورت می‌گیرد البته در شعر درباری قبل از قرن هفتم نسبت استفاده از تلمیحات قرآنی و قصه های پیامبران با توجه به شخصیت شاعر و قدرت تخیل او، متفاوت است اما این تصویرهای ساده همچنان در جهت مدح اغراق آمیز ممدوح استفاده می‌شود. در اشعار مدحی و درباری، تازگی قابل توجهی در زمینه تلمیح به قصه های انبیا دیده نمی‌شود و این روند تقریباً به همین شکل ادامه دارد. اما خاقانی از مایه های تلمیحی در حوزه قصه‌های انبیا با تنوع و وسعت بسیار استفاده می‌کند. او نه تنها این تلمیحات را مانند دیگر شاعران درباری در مدح ممدوح بکار میبرد بلکه آن را در خدمت موضوعات دیگری چون مدح پیامبر (ص)، قناعت، شکایت از جهان و... نیز قرار می‌دهد و از حوزه تشبیهات ساده در این زمینه فراتر رفته، تصویرها و ترکیبات تازه و بدیع می‌آفریند که این نکته را میتوان وجه تمایز خاقانی با دیگر شاعران درباری دانست، شاعران درباری قبل از خاقانی کمتر از تلمیحات قرآنی برای بیان این موضوعات استفاده می‌کردند.

#### تأثیر قصه های انبیا در اشعار مذهبی و عرفانی

در شعر مذهبی و عرفانی نیز چگونگی بهره‌گیری از قصه‌های انبیا قابل تأمل است. از نمایندگان برجسته شعر مذهبی، ناصر خسرو را میتوان نام برد و مولوی، سنایی و عطار از برجسته‌ترین شاعران شعر عرفانی هستند. هرچند در اشعار مذهبی شاعران، مایه‌های تلمیحی تنوع چندانی ندارند اما نسبت به شاعران قبل تلمیحات تازه‌تری را وارد شعر فارسی کرده‌اند. این شاعران اینگونه تلمیحات را در خدمت موضوعات تازه قرار داده‌اند به عنوان مثال ناصر خسرو از تلمیح به قصه‌های انبیا در جهت اثبات جهان بینی مذهبی اسماعیلیه و تعلیمات اخلاقی و مذهبی آن استفاده کرده است. هر چند برخی شاعران چون سنایی علاوه بر اینکه اشعار عرفانی میسرودند هیچ‌گاه پیوند خود را با مدیحه‌گویی قطع نکردند و تلمیح را چون راه و رسم شعر گذشتگان در خدمت مدح ممدوح قرار داده‌اند اما آنان در اشعار عرفانی خود از قصه انبیا استفاده کرده‌اند تا نتیجه‌ای عرفانی بگیرند یا به قصد ایضاح و تأکید یک اندیشه عرفانی از آن بهره‌برده‌اند. در اینگونه اشعار، برداشتهای رمزی از قصه‌های انبیا در شعر توضیح داده میشود و خواننده بدون نیاز به تأمل، مفاهیم باطنی قصه را در مییابد هر چند در مواردی اندک دریافت معنی و مفهوم باطنی آنها به عهده خود خواننده گذاشته میشود. برخی از شاعران چون مولوی به جهت آشنایی کامل با علوم و معارف اسلامی و تسلط کافی بر قرآن کریم، احادیث و تفاسیر، از مایه‌های تلمیحی در زمینه قصه‌های انبیا بسیار استفاده میکنند. مولوی نه تنها از نکات برجسته و مشهور زندگی انبیا که در قرآن و اغلب قصص و تفاسیر آمده، بهره‌میرد بلکه اشارات مهجور را نیز بیان میدارد که معمولاً این اشارات در دوره‌های قبل از نظر دور مانده بود.

### نتیجه

۱- مهمترین موضوعی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت سیر تلمیح حضرت نوح(ع) در ادبیات فارسی است که با بررسی آن میتوان به یک نتیجه مهم رسید که شاعران در ابتدا فقط به مشهورترین حوادث زندگی و برجسته‌ترین صفات و خصوصیات شخصی پیامبران اشاره میکردند اما از میانه قرن پنجم به بعد توجه شاعران به قصه‌های قرآنی بیشتر شد بنابراین از اشارات قرآن کریم به این قصه‌ها استفاده کردند و تلمیحات نوح بسیار جامعتر و کاملتر از قبل به کار رفت.

۲- از بررسی این تلمیح در دوره‌های مختلف میتوان نتیجه گرفت که این تلمیح در سبک خراسانی بیشتر در خدمت مدح و یا وصف ممدوح یا معشوق است، در سبک عراقی این تلمیح بیشتر برای بیان احساسات، توصیف طبیعت، وصف حال عشق و بیان آموزه‌های عرفانی به کار میرود و در سبک هندی این تلمیح بیشتر برای بیان آموزه‌های اخلاقی کاربرد دارد، شعر معاصر نیز توجه خاصی به این تلمیح ندارد.

۳- از میان شاعران دوره‌های مختلف شعر فارسی مولوی، خاقانی و قاضی‌نوری بیشترین استفاده را از این تلمیح دارند.

### کتابنامه

۱. احادیث و قصص مثنوی. فروزانفر، محمد حسن / ترجمه حسین داوودی. تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۸ ش.
۲. آخر شاهنامه. اخوان ثالث، مهدی. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۵۴ ش.
۳. از این اوستا. اخوان ثالث، مهدی. تهران: انتشارات مروارید و خانه کتاب، ۱۳۵۳ ش.
۴. از کوچه رندان (درباره زندگی و اندیشه حافظ). زرتین کوب، عبدالحسین. تهران: سخن، ۱۳۷۳ ش.
۵. از هوا و آینه‌ها. شاملو، احمد. تهران: نگاه و زمانه.
۶. اساطیر جهان. روزنبرگ، دونا / ترجمه عبدالحسین شریفیان. ج ۱. تهران: اساطیر، ۱۳۷۸ ش.
۷. اوستا. پورداود، ابراهیم. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۸. بوستان سعدی. سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین / تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی، ۱۳۷۵ ش.
۹. پله پله تا ملاقات خدا (درباره زندگی، اندیشه و سلوک مولانا جلال الدین رومی). زرتین کوب، عبدالحسین. تهران: علمی، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. تاریخ بیهقی (۳ جلدی). بیهقی، ابوالفضل محمدحسین / به کوشش: خلیل خطیب رهبر. تهران: مهتاب، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. تاریخ تمدن (مشرق زمین: گاهواره تمدن). دوران، ویل / ترجمه: احمد آرام، پاشایی، امیرحسین آریان پور. ج ۱. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۱۲. تاریخ جهانگشا. جوینی، عطاملک بن محمد / به سعی و اهتمام و تصحیح: محمد بن عبد الوهّاب قزوینی. ج ۱ و ۲. تهران: نقش قلم، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی. جوان، سیدعلی اردلان مشهد: به نشر، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. تمثیل در غزلیات حافظ، سعدی و صائب در مورد نوح - سلیمان - موسی - عیسی و .... امیری، سیروس. تهران: ختن، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. حافظ نامه (۲ جلدی). خزمشاهی، بهاء الدین. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ ش.
۱۶. حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة. سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدودبن آدم / تصحیح: مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. حضرت نوح علیه السلام در مثنوی. شفیعی، اعظم. تهران: شمس الشموس، ۱۳۸۳ ش.
۱۸. خمسه خواجه کرمانی. خواجه کرمانی، محمودبن علی / تصحیح: سعید نیاز کرمانی. کرمان: انتشارات شهید باهنر کرمان، ۱۳۷۰ ش.
۱۹. داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی. یزدان پرست لاریجانی، محمد حمید. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. داستان پیامبران در کلیات شمس (شرح و تفسیر عرفانی داستان‌ها در غزل‌های مولوی). پورنامداریان، تقی. ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸ ش.
۲۱. دُره نادره. استرآبادی، میرزاهدیخان / به اهتمام: سیدجعفر شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. دیوان ابوالفرج رونی. رونی، ابوالفرج / تصحیح: محمود مهدوی دامغانی. مشهد: کتابفروشی باستان، ۱۳۴۷ ش.



۲۳. دیوان ادیب الممالک فراهانی. ادیب الممالک فراهانی، محمدصادق بن حسین / به کوشش: وحید دستگردی. تهران: نشر تهران، ۱۳۱۲ ش.
۲۴. دیوان اشعار اقبال لاهوری. اقبال لاهوری، محمد. / تهران: مجیا، ۱۳۷۸ ش.
۲۵. دیوان اشعار پروین اعتصامی. اعتصامی، پروین / مقدمه ملک الشعراء بهار. تهران: نشر ساحل، ۱۳۷۴ ش
۲۶. دیوان اشعار دهلوی. امیر خسرو دهلوی، خسرو بن محمود / مقدمه: سعید نفیسی، به اهتمام: م. درویش. تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی، جاویدان، ۱۳۴۳ ش.
۲۷. دیوان اشعار حلاج. حلاج، حسین بن منصور. تهران: مجیا، ۱۳۷۸ ش.
۲۸. دیوان اشعار عراقی. همدانی (عراقی)، فخرالدین ابراهیم / تصحیح: اسماعیل شاهرودی. تهران: فخررازی، ۱۳۷۲ ش.
۲۹. دیوان بهار. ملک الشعراء بهار، محمدتقی. تهران: آزاد مهر، ۱۳۸۲ ش.
۳۰. دیوان بیدل دهلوی. بیدل دهلوی، عبدالقادر. تهران: مؤسسه انتشارات تهران هنرنا، ۱۳۸۱ ش.
۳۱. دیوان حکیم قانّی شیرازی. قانّی شیرازی، حبیب الله بن محمد علی. تهران: میرزا علی اکبر، ۱۲۷۷ ق.
۳۲. دیوان خاقانی شروانی. خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل بن علی نجّار / تصحیح و مقدمه و تعلیقات به کوشش ضیاء الدین سجّادی. تهران: زوّار، ۱۳۳۸ ش.
۳۳. دیوان رهی معیری. معیری، محمد حسن. تهران: یاد عارف، ۱۳۸۳ ش.
۳۴. دیوان رودکی. رودکی سمرقندی، ابوعبدالله جعفر بن محمد / به خطّ محسن خزّازی. تهران: گنجینه، ۱۳۷۷ ش.
۳۵. دیوان سلمان ساوجی. سلمان ساوجی، خواجه جمال الدین / با مقدمه و تصحیح: ابوالقاسم حالت، به کوشش: احمد کرمی. تهران: سلسله نشریات ما، ۱۳۷۱ ش.
۳۶. دیوان سیف فرغانی. فرغانی، سیف الدین ابوالمحمّد محمد / تصحیح: ذبیح الله صفا. تهران: فردوس، ۱۳۷۸ ش.
۳۷. دیوان شهریار. شهریار، محمدحسین. تبریز: رسالت، ۱۳۶۹ ش.
۳۸. دیوان شیخ کمال خجندی. خجندی، کمال الدین مسعود / به اهتمام ایرج گل سرخی. تهران: سروش، ۱۳۷۴ ش.
۳۹. دیوان صائب (جلدی ۳). صائب تبریزی، محمدعلی. تهران: تهران هنرنا، ۱۳۸۱ ش.
۴۰. دیوان عارف قزوینی. عارف قزوینی، ابوالقاسم / تدوین: رحیم چاوش اکبری. تهران: زوّار، ۱۳۸۵ ش.
۴۱. دیوان عطار. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد / تصحیح سعید نفیسی. تهران: شهر کتاب، هرمس، ۱۳۸۱ ش.
۴۲. دیوان عنصری. عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن بن احمد / به کوشش: محمد دبیر سیاقی. تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۴۲ ش.
۴۳. دیوان فرخی سیستانی. فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ / به کوشش: محمد دبیر سیاقی. تهران: زوّار، ۱۳۷۱ ش.
۴۴. دیوان فروغ فرخزاد. فرخزاد، فروغ. تهران: انتشارات نیک فرجام، ۱۳۸۶ ش.
۴۵. دیوان فروغی بسطامی. فروغی بسطامی، عباس بن موسی / گردآوری: حمیدرضا قلیچ خانی. تهران: روزنه، ۱۳۷۶ ش.

۴۶. دیوان کامل عالم محقق ربّانی ملامحسن فیض کاشانی حبیب الله بن محمدعلی. همراه رساله گلزار قدس فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی / مقدمه و تصحیح علی شفیع. تهران: نشر چکامه، ۱۳۷۵ ش.
۴۷. دیوان محتشم کاشانی. محتشم کاشانی، علی بن احمد / با تصحیح مصطفی فیضی کاشانی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۴۸. دیوان منوچهری. منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد / به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: زوار، ۱۳۶۳ ش.
۴۹. دیوان ناصر خسرو. قبادیانی بلخی، ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث / تصحیح: مهدی محقق و مجتبی مینوی. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۴ ش.
۵۰. دیوان هاتف اصفهانی. هاتف اصفهانی، احمد / مصحح: وحید دستگردی. تهران: شهر کتاب، هرمس، ۱۳۸۱ ش.
۵۱. دیوان وحشی بافقی. وحشی بافقی، کمال الدین / مقدمه و تصحیح اسماعیل شاهرودی. تهران: فخررازی، ۱۳۷۳ ش.
۵۲. سخنان منظوم ابوسعید ابی الخیر. ابوسعید ابی الخیر / با تصحیح و مقدمه و حواشی و تعلیقات: سعید نفیسی.
۵۳. سرّ نی (نقد و شرح تحلیلی و تطبیقی مثنوی). ززین کوب، عبدالحسین، ج ۱. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸ ش.
۵۴. شرح لغات و مشکلات دیوان انوری. شهیدی، سیدجعفر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
۵۵. شرح مثنوی. شهیدی، سیدجعفر. ج ۴. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
۵۶. شکفتن در مه. شاملو، احمد. تهران: انتشارات کتاب زبان، ۱۳۴۹ ش.
۵۷. فرهنگ تلمیحات (اشارات اساطیری، داستانی، تاریخی و مذهبی در ادبیات فارسی). شمیسا، سیروس. تهران: میترا، ۱۳۸۶ ش.
۵۸. قابوس نامه. کیکاووس بن اسکندر، عنصرالمعالی / به اهتمام و تصحیح: غلامحسین یوسفی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۵۹. کشف المحجوب. هجویری، علی بن عثمان / تصحیح والنّین ژوکوفسکی به انضمام فهرس سبعة و بالحقا فهرستین و مقدمه مصحح. لنینگراد: دارالعلوم، ۱۳۴۴ ق = ۱۹۲۶ م = ۱۳۰۴ ش.
۶۰. کلیات خمسه نظامی گنجوی. نظامی، الیاس بن یوسف / مطابق با نسخه تصحیح شده وحید دستگردی، به اهتمام: پرویز بابایی. ج ۱. تهران: نگاه، ۱۳۸۱ ش.
۶۱. کلیات عبید زاکانی. عبید زاکانی، عبیدالله / تصحیح اقبال آشتیانی. تهران: فردوس، ۱۳۷۸ ش.
۶۲. گلستان سعدی. سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین / تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹ ش.
۶۳. گلشن راز. شبستری، محمودبن عبدالکریم. تهران: خلاق، ۱۳۸۸ ش.
۶۴. مثنوی معنوی. مولوی، جلال الدین / به سعی و اهتمام: رینولدالین. نیکلسون تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.

۶۵. مثنوی هفت اورنگ جامی. جامی خراسانی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد / تصحیح و مقدمه: آقا مرتضی - مدرس گیلانی. تهران: انتشارات کتابفروشی سعدی، ۱۳۵۱ ش.
۶۶. مجموعه کامل اشعار (فارسی و طبری). یوشیچ، نیما / تدوین سیروس طاهباز. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۷۵ ش.
۶۷. مرزبان نامه. وراوینی، سعدالدین / به کوشش: خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی علیشاه، ۱۳۶۶ ش.
۶۸. مقامات حمیدی. محمودی بلخی، قاضی حمیدالدین / به تصحیح: رضا انزابی نژاد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ ش.
۶۹. منطق الطیر. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد / به اهتمام و تصحیح: سیدصادق گوهرین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.
۷۰. نقیة المصدور. نسوی، محمدبن احمد / تصحیح و توضیح: امیرحسن یزدگردی. تهران: توس، ۱۳۸۱ ش.
۷۱. هشت کتاب. سپهری، سهراب. تهران: طهوری، ۱۳۶۳ ش.
۷۲. ویس و رامین. گرگانی، فخرالدین اسعد / مقدمه و تصحیح محمد روشن. تهران: صدای معاصر، ۱۳۳۷ ش.